

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 99/05/10

موضوع: واقعه عظیم «غدیرخم» و پاسخ به برخی شبهات!

ویژه برنامه افضل الأعیاد

فهرست مطالب این سخنرانی:

«عید غدیر»، با فضیلت ترین عید امت اسلام!

سه شاخصه اصلی در عصر حاضر، برای ترویج فرهنگ غدیر

هزار دلیل بر حقانیت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در یک کتاب!

آیا کلمه «مولی» به معنای ولایت و رهبری امت است؟!؟

تحقق حقیقت اسلام، به احیای امامت در غدیر

واقعه عظیم غدیرخم و شبهه «جیش یمن»!

نرم افزارهای علوم اسلامی، نعمتی بزرگ برای محققین!

آیا امیرالمؤمنین و اهل بیت (علیهم السلام) به حدیث غدیر استناد کرده اند؟!؟

فتنه ای جدید به نام «قرآنیون»!!

تماس بینندگان برنامه

آیا در روز غدیرخم، هوا گرم بود؟!؟

حدود چهل آیه در قرآن کریم در مذمت صحابه!!

آیا اعتقاد به امامت ائمه اطهار با آیه 124 سوره بقره تعارض دارد!؟

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

ای عزیزان به شما هدیه ز یزدان آمد

عید فرخنده نورانی قربان آمد

امر شد تا که به قربانی اسماعیلش

آن خلیلی که پذیرفته ز رحمان آمد

امتحان داد به خوبی به خدا ابراهیم

جای آن ذبح عظیمی که به قربان آمد

آن حسینی که ز حج رفت سوی کرب و بلا

به خدا بهر سرافرازی قرآن آمد

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی ولی عصر».

ان شاء الله این شبها به مناسبت این فرخنده ایام که هم عید قربان بود و ان شاء الله عید الله الأكبر عید غدیر

را هم در پیش داریم، بناست که با یک ویژه برنامه در خدمت شما باشیم. ویژه برنامه‌ای زیبا به نام «افضل

الأعیاد».

ان شاءالله که بتوانیم در این فاصله عید تا عید، مهمان خوبی برای دیدگان پرفروغ شما بینندگان باشیم.

حسن مطلع این داستان این است که ان شاءالله ما می‌خواهیم این برنامه و این ویژه برنامه وزین را با حضور استاد ارجمند و بزرگوار حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی آغاز کنم. استاد سلام علیکم؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه عزیزان بیننده که این برنامه یا تکرار آن یا کلیپ‌ها را می‌بینند، خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم.

این ایام فرخنده دهه ولایت را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقية الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه مندان به اهل بیت عصمت و طهارت تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی امیرالمؤمنین سوگند می‌دهم عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان و رفع گرفتاری و قضاء حوائج و اجابت دعاهایمان قرار بدهد، ان شاءالله.

مجری:

ان شاءالله. بینندگان مستحضر باشید که ان شاءالله قرار است در این فاصله عید تا عید هرشب رأس ساعت 9:30 تا 11 مهمان دیدگان شما باشیم و در طول برنامه هم اگر سؤال داشتید حتماً در خدمت شما هستیم.

شما از همین امشب می‌توانید از طریق شماره‌هایی که زیرنویس شده با ما به واسطه پیامک یا تماس صوتی ارتباط داشته باشید. ان شاءالله ما هم خوشحال می‌شویم صدای شما را بشنویم.

الحمدلله همین نام برنامه هم، نام بامسمایی تحت عنوان «افضل الأعیاد» است. ما خودمان زیاد شنیدیم که فرهنگ غدیر را به عنوان عید بزرگ مسلمانان باید ترویج داد. حتی از باب فرمایش رسول گرامی اسلام که

فرمودند:

«فَلْيَبْلُغِ الْخَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ»

الإحتجاج على أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج

1، ص 62، باب احتجاج النبی ص یوم الغدیر علی الخلق کلهم

بر ما هست که بتوانیم واقعه غدیر خم را به هر نحو ممکن تبلیغ کنیم. حضرتعالی همیشه برای ما راهنمایی‌های مفیدی داشتید و ان شاءالله ما بتوانیم به آنها عمل کنیم.

حاج آقا به عنوان شروع برنامه، برای ما بفرمایید که بدانیم بهترین راه برای ترویج مکتب اهل بیت و مکتب غدیر چیست؟ ما باید از چه راه و روشی استفاده کنیم؟

«عید غدیر»، با فضیلت ترین عید امت اسلام!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله أفوض أمری إلی الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر ماشاء الله لا حول و لا قوة إلا بالله

اولاً من از عزیزان دست اندرکار «شبهه جهانی ولی عصر» به ویژه عزیز و نور چشمم جناب آقای «دکتر ابوالقاسمی» تشکر می‌کنم که اسم برنامه را «افضل الأعیاد» گذاشتند که برگرفته از سخن امام صادق (سلام الله علیه) است.

«مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «أمالی» صفحه 125 روایتی از امام صادق به نقل از رسول گرامی اسلام می‌آورد که حضرت می‌فرماید:

«يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ أَفْضَلُ أَعْيَادِ أُمَّتِي»

روز غدیر خم بافضیلت ترین عیدهای امت من است.

«افضل الاعیاد» که به آن اشاره فرمودید، برگرفته از سخن رسول گرامی اسلام و امام صادق (علیه السلام) است. حضرت در ادامه فرمودند:

«وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَمَرَنِي اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ فِيهِ بِنَصْبِ أَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ عَلِمًا لِأُمَّتِي»

این روزی است که خداوند به من امر کرد که علی را علم و شاخص برای امت من نصب کنم.

«يَهْتَدُونَ بِهِ مِنْ بَعْدِي»

برای کسانی که می‌خواهند هدایت بیابند.

«وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ»

این روز، روزی است که خدا دین را در این روز کامل کرد.

«وَأَتَمَّ عَلَيَّ أُمَّتِي فِيهِ النُّعْمَةَ»

و نعمت را بر امت من تمام کرد.

«وَرَضِيَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»

و از اسلام به عنوان دین راضی شد.

الأمالی، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص 125، ح 8

این فرمایش، مصداق بارز آیه سوم سوره مبارکه مائده است. اولاً من خواستم تشکری داشته باشم از نامی که برای برنامه انتخاب کردند.

ثانیاً در خصوص اینکه ما چگونه معارف اهل بیت را منتشر کنیم، باید خدمت بینندگان محترم برنامه عرض کنم که در گذشته، بزرگان ما از جمله «مرحوم سید مرتضی»، «مرحوم شیخ مفید»، «علامه حلی» و قبل از این بزرگواران، اصحاب ائمه اطهار (علیهم السلام) هرکدام با توجه به مقتضیات زمان خود، در نشر فرهنگ اهل بیت تلاش می‌کردند.

«زراره» با یک بیان تلاش می‌کرد، «محمد بن مسلم» با یک بیان تلاش می‌کرد، «جمیل بن دراج» با یک بیان تلاش می‌کرد، «هشام بن سالم» با یک بیان تلاش می‌کرد، «هشام بن حکم» با یک منطقی تلاش می‌کرد.

بعضی از صحابه امثال «حجر بن عدی» هم با شهادت و ایثارش در راه اهل بیت تلاش کرد. و یا «میثم تمار» که با بیان دیگری در راه نشر فرهنگ اهل بیت تلاش می‌کرد. مخالفین دست او را بریدند، پای او را بریدند، او را بالای دار زدند، اما او بازهم دست برداشت. او به جای اینکه به فکر دست و پایش باشد، بالای دار مدام از علی سخن می‌گفت!

عزیزان می‌دانند که اگر دست کسی را قطع کنند، مدام خون جاری است. «میثم تمار» بالای دار فریاد می‌زند: ای مردم! همین چند لحظه‌ای که از عمر من باقی است، نزد من بیایید. من مطالبی در فضائل و مناقب و حقانیت امیرالمؤمنین دارم. بیایید این مطالب را به شما بگویم و استفاده کنید.

اطرافیان به «عبیدالله بن زیاد» خبر دادند که اگر سخنرانی «میثم تمار» در بالای دار ادامه پیدا کند، مردم کوفه شورش می‌کنند. «عبیدالله» دستور می‌دهد که زبان «میثم» را هم ببرند!!

سه شاخصه اصلی در عصر حاضر، برای ترویج فرهنگ غدیر

در هر مقطعی از زمان با توجه به مقتضیات زمان بزرگان کار می‌کردند. بنده در طول این پنجاه سال در حوزه علمیه و مناظراتی که به تفضل خداوند متعال و حضرت ولی عصر بود، تجربیات زیادی کسب کردم.

ما بیش از دویست جلسه مناظره در خاک عربستان سعودی داشتیم. همچنین حدود پانزده سال است در شبکه‌های ماهواره‌ای با افرادی که روی خط می‌آیند، بحث و گفتگو می‌کنیم.

نظر من بر این است که اگر ما امروز بخواهیم فرهنگ اهل بیت به ویژه فرهنگ غدیر را مطرح کنیم، باید سه شاخصه را رعایت کنیم. بدون این سه شاخصه در عصر حاضر، فرهنگ اهل بیت و فرهنگ غدیر آنگونه که زینده است ترویج نخواهد شد.

شاخصه اول بحث «معرفت افزایی» است. یعنی تبیین مقامات اهل بیت، تبیین فضائل اهل بیت، تبیین حقانیت اهل بیت.

در بخش تبیین مثلاً حدیث غدیر و امامت علی، کثرت طرق و روایات حدیث غدیر، حدیث غدیر در صحاح و سنن، دلالت حدیث غدیر بر امامت، خطبه غدیر در منابع شیعه و سنی، احتجاج معصومین به حدیث غدیر را می‌توان نام برد.

به نظر بنده در بخش معرفت افزایی و تبیین، این موارد نمونه است. ما باید بیاییم حقایق تاریخی که معمولاً به گوش مردم نمی‌رسد و یا ناقص می‌رسد را خوب برای مردم تبیین کنیم.

شاخصه دوم «شبهه زدایی» است. شما در هر قسمتی وارد شوید، وهابیت شبهاتی دارند. مثلاً اگر شما «حدیث ثقلین» را مطرح کنید، می‌بینید که وهابیت نزدیک به صد و چهل شبهه، تنها در حدیث ثقلین دارند.

در حدیث غدیر، بیش از صد شبهه دارند که ما پنجاه مورد آن را در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» پاسخ دادیم.

پس در محور دوم باید شبهه زدایی کنیم. اگر ما تنها به تبیین برسیم و معرفت افزایی کنیم، ولی شبهات مخالفین و معاندین و وهابیت یا افراد غافل و ناآگاه را پاسخ ندهیم، سبب می‌شود که تبیین ناقص بماند. لذا ما باید شبهه زدایی کنیم!

هرچه من از «غدیر» یا «آیه اکمال» یا «آیه ابلاغ» یا «حدیث منزلت» دلیل بیاورم، وقتی شبهاتی که در ذهن جوان می‌آید پاسخ داده نشود، تبیین اثر خود را از دست می‌دهد.

بنده در حوزه شبهه زدایی، هفت نکته را مطرح کردم که شاید ان شاءالله در چند شبی که در این ایام دهه ولایت خدمت بینندگان هستیم، به بعضی موارد اشاره کنم.

مثل «شبهه ابن تیمیه در صحت حدیث غدیر»، «حدیث غدیر و شکایت جیش یمن»، «چرا ولایت علی در مکه صورت نگرفت؟»، «شبهه وهابیت در کلمه مولی»، «عدم حضور حضرت علی در غدیر»، «تکذیب **«اللهم وال من والاه»**، «عدم استدلال امیرالمؤمنین به غدیر!» و...

مثلاً در مورد شبهه چهارم ادعا می‌کنند که چرا پیغمبر اکرم کلمه "خلیفه" یا "والی" را به کار نبرد؟ در مورد شبهه پنجم بعضی افراد ادعا می‌کنند که علی بن ابی طالب اصلاً در غدیر خم نبوده است. این افراد اصلاً صورت مسئله را پاک کردند.

در شبهه ششم ادعا می‌کنند که اصلاً **«اللهم وال من والاه»** دروغ است، شیعیان آن را درست کردند و در کتب ما وارد کردند. در شبهه هفتم ادعا می‌کنند که اگر غدیر دلالت بر امامت می‌کند، چرا امیرالمؤمنین به حدیث غدیر استدلال نکرده است.

تمامی این شبهات را باید محکم پاسخ داد و آنچنان این پاسخ محکم و دندان شکن و کمرشکن باشد، که طرف مقابل اصلاً تعجب کند که چرا چنین شبهه‌ای به ذهنش می‌آمد.

من معتقدم شبهاتی که ما جواب می‌دهیم، باید به قدری ظریف و مستدل و روشن باشد که طرف مقابل تصور کند که در روز روشن در وجود آفتاب شک داشته است.

وقتی ما مسئله را روشن کردیم، باید طرف مقابل تعجب کند که اصلاً با وجود این روشنی چرا چنین شبهه‌ای به ذهن من آمده است. شبهات باید این چنین پاسخ داده شود.

شاخصه سوم این است که ما باید «روشنگری» کنیم. به عنوان مثال، من پنجاه دلیل در خلافت امیرالمؤمنین می‌آورم. در مقابل، یک برادر سنی هم دلایلی بر خلافت ابوبکر می‌آورد.

در این زمینه بنده باید روشنگری کنم. مادامی که طرف مقابل را خلع سلاح نکنم و با تکیه بر مباحث علمی، استدلال او را باطل نکنم، کاری از پیش نخواهم برد.

ما در مناظره و استدلال نباید توهین و فحش و اهانت به کار ببریم. ما توهین به مقدسات دیگران را گناه نابخشودنی می‌دانیم و معتقدیم باید نقد علمی کنیم و مباحث را مطرح کنیم و روشنگری کنیم. جوان سنی هم حق صحبت کردن دارد.

ما خدمت یکی از مراجع عظام تقلید بودیم. ایشان می‌گفتند: اگر این مباحث را شما بیان نکنید، چه کسی بیان خواهد کرد؟! ایشان سپس به نامه 53 «نهج البلاغه» اشاره می‌کردند که امیرالمؤمنین فرمود:

«فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 435، خ

ما از امیرالمؤمنین که نمی‌توانیم عقب‌تر بمانیم. حضرت انتقاد می‌فرمودند و ادله طرف مقابل را هم نقد می‌کردند.

ائمه اطهار شاگردانی را برای مناظره تربیت می‌کردند و در مناظرات هم همین مباحث مطرح بود. هم اثبات حقانیت اهل بیت و هم بطلان ادله طرف مقابل.

هزار دلیل بر حقانیت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در یک کتاب!

«مرحوم علامه حلی» (رضوان الله تعالی علیه) کتابی به نام «الفین» به معنای دو هزار دارد. ایشان در این کتاب هزار دلیل برای حقانیت امیرالمؤمنین و هزار دلیل برای پاسخ به شبهات و بطلان عقاید غیر شیعه آورده است.

نقل شده است «مرحوم فخر المحققین» پسر «علامه حلی» پدرش را خواب دید و از ایشان پرسید: در عالم برزخ چه خبر است؟ کارهایی که کردید و کتب فقهی که نوشتید و طلبه و شاگرد تربیت کردید، کدام یک در آن دنیا به درد شما خورد؟

«علامه حلی» گفت: پسرم تنها کتابی که در عالم برزخ به دادم رسید، «الفین» بود! این کتاب شامل دو هزار دلیل برای اثبات حقانیت اهل بیت و بطلان عقاید مخالفین آن بزرگواران با برهان و دلیل است، نه با توهین و فحش و ناسزا.

یعنی هزار مورد برای تبیین و هزار مورد برای پاسخ به شبهات و رد عقاید مخالفین. بنابراین ما در بحث غدیر باید معرفت افزایی داشته باشیم، شبهه زدایی داشته باشیم و روشنگری هم کنیم.

آیا کلمه «مولی» به معنای ولایت و رهبری امت است!؟

ما به آقایانی که در رابطه با غدیر شبیه وارد می‌کنند که چرا کلمه «ولی» یا «مولی» آمده است، می‌گوییم که مگر در مورد خلفای سه گانه شما کلمه «ولی» و «مولی» نیامده است؟ در کتاب «صحیح مسلم» وارد شده است:

«فلما تُوفِّي رسول الله قال أبو بكر أنا ولي رسول الله»

در اینجا از کلمه «ولی» استفاده کرده است. پیغمبر اکرم هم در غدیرخم، غیر از «مولی» فرمودند:

«من كنت مولاه فهذا وليه»

«حاکم نیشابوری» هم در مورد سند روایت می‌نویسد:

«هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه بطوله شاهدته حديث سلمة بن كهيل عن أبي الطفيل أيضا صحيح على شرطهما»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج 3، ص 118، ح 4576

چطور اگر پیغمبر اکرم بفرمایند:

«من كنت مولاه فهذا وليه»

و یا بفرماید:

«علي مني وأنا من علي وعلي ولي كل مؤمن بعدي»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 6، ص 373، ح

32121

و يا بفرمايد:

«أنت ولي كل مؤمن بعدى ومؤمنة»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج

3، ص 143، ح 4652

چطور در اینجا «ولایت» به معنای «محبت» است، اما اگر ابوبکر بگوید:

«أنا ولي رسول الله»

در اینجا به معنای «خلافت» است؟! در ادامه روایت از قول خلیفه دوم نقل شده است:

«ثُمَّ تُوْفِي أَبُو بَكْرٍ وَأَنَا وَلي رَسُولِ اللَّهِ وَ وَلي أَبِي بَكْرٍ»

بعد از وفات ابوبکر هم، من ولی رسول الله و ولی ابوبکر هستم.

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 3، ص 1378، ح 1757

«ولی» در اینجا به چه معناست؟ یعنی «عمر بن خطاب» می‌گوید: وقتی ابوبکر از دنیا رفت، من دوست پیغمبر

اکرم و دوست ابوبکر بودم و دیگران دشمن بودند؟

استعمال کلمه «ولی» در معنای «خلیفه» و «امام» و «حاکم» است، زیرا یک چیز اضافه است و به معنای یک حکومت بر دلهاست. حکومتی توأم با محبت و عشق و علاقه بین حاکم و شهروند است.

همچنین ابوبکر که نقل می‌کنند در طول عمرش یک سخنرانی بیشتر نداشته است، می‌گوید:

«یا أيها الناس أني قد وليت عليكم ولست بخيركم»

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -

1403، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج 11، ص 336، ح 20702، باب لا طاعة في

معصية

او نمی‌گوید که من خلیفه و امام و حاکم شما شدم، بلکه از کلمه «ولی» استفاده می‌کند. بنابراین رسول گرامی اسلام هم در خطبه غدیر از آیه 6 سوره احزاب استفاده می‌کند و می‌فرماید:

«ألستم تشهدون أن الله ورسوله أولى بكم من أنفسكم»

آیا شهادت می‌دهید که ولایت خدا و رسولش بر شما از ولایت خودتان بر شما اولی است؟

«فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَاِنَّ هَذَا مَوْلَاً»

السنة، اسم المؤلف: عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -

1400، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، ج 2، ص 605، ح 1361

پیامبر اکرم در اینجا از کلمه «ولی» استفاده کرده است. این جمله توسط رسول گرامی اسلام با عبارتهای مختلف بیان شده است. متأسفانه ما تصور می‌کنیم که در غدیر خم رسول اکرم تنها عبارت «فمن كنت مولاة فإن هذا مولاة» را فرمودند.

اصلاً من کاری به روایت ندارم. ما ثابت می‌کنیم کلمه «مولی» در قرآن کریم چندین مرتبه استعمال شده است. ببینید «مولی» در قرآن کریم به چه معناست و همان معنا را در حدیث غدیر معنا کنید. چرا گزینشی کار می‌کنید؟

اگر در قرآن کریم آمده بود: «النار اولی بکم» یا «النار مولی لهم» در اینجا کلمه «مولی» به معنای «ولایت» و «اولویت» می‌شود، اما اگر پیغمبر اکرم فرموده بود «فمن كنت مولاة فعلى مولاة» به معنای این است که هرکسی را دوست دارم علی هم آن را دوست دارد؟!

اصلاً وهابیت، خود هم نمی‌توانند این جمله «فمن كنت مولاة فإن هذا مولاة» را معنا کنند. معنایی هم که در این شبکه‌ها به کار می‌برند، کاملاً برعکس است.

مجری:

یعنی اگر حتی ما تمامی قرائن که در خطبه غدیر مفصل آمده است را کنار بگذاریم و بخواهیم به همین یک جمله هم استناد کنیم، بازهم چیزی که ادعای آنهاست در نمی‌آید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اضافه بر اینکه بسیاری از بزرگان اهل سنت همانند «سبط ابن جوزی» و دیگران آورده‌اند که دلالت حدیث غدیر بر امامت امیرالمؤمنین بسیار واضح و روشن است.

به تعبیر یکی از بزرگان که می‌گوید: اصلاً عقل بشری قبول نمی‌کند که پیغمبر اکرم سه شبانه روز انبوه جمعیت را نگهدارد، تنها برای اینکه بفرماید هرکسی مرا دوست دارد علی را هم دوست داشته باشد؛ سپس مردم بیعت کنند. اصلاً مسخره نیست؟!

مردم بعد از فرمایش رسول گرامی اسلام به چه چیزی تبریک گفتند؟! آیا مردم تنها به خاطر اینکه پیغمبر اکرم فرمود هرکسی مرا دوست دارد علی را هم دوست داشته باشد، تبریک گفتند؟! اصلاً مسئله به این معنا، مسئله‌ای کاملاً غیر عقلانی است.

تحقق حقیقت اسلام، به احیای امامت در غدیر

بنابراین اگر ما بخواهیم کار کنیم باید «تبیین»، «دفاع» و «هجمه» را همزمان به کار ببریم. یعنی «شیعه می‌گوید»، «شیعه پاسخ می‌دهد»، «شیعه می‌پرسد».

«معرفت افزایی»، «شبهه زدایی» و «روشنگری»! این سه مثلث مقدس باید درست شود؛ یک ضلع آن تبیین و معرفت افزایی است. ضلع دوم شبهه زدایی و پاسخ گویی است. ضلع سوم روشنگری و طرح سؤال است.

اهانت حرام است، اما سؤال پرسیدن که حرام نیست. حقایق را از کتاب‌های آقایان اهل سنت بیان کردن که گناه کبیره نیست. بنابراین روی این جهت ما باید کار کنیم.

رهبر معظم انقلاب در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرمایند: ما باید در غدیر متخصص تربیت کنیم. ما باید افرادی تربیت کنیم که همانند «علامه امینی» کتاب «الغدیر» تحویل جامعه بدهند. یا همانند «مرحوم شرف الدین» کتاب «المراجعات» تحویل جامعه دهند.

در حقیقت تحقق اسلام، به احیای امامت در غدیر است. فرمایش قرآن کریم در آیه شریفه:

(فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

رسالت او را انجام نداده‌ای.

سوره مائده (5): آیه 67

غیر از امامت امیرالمؤمنین با هیچ چیزی قابل تطبیق نیست. همچنین آیه شریفه:

(الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ)

امروز کافران از (زوال) آئین شما مأیوس شدند.

سوره مائده (5): آیه 3

غیر از امامت امیرالمؤمنین با هیچ چیزی قابل تطبیق نیست. ان شاءالله بعضی از کلیپ‌ها را از بعضی از مراجع عظام تقلید، علما، بزرگان، شخصیت‌ها به ویژه مقام معظم رهبری را پخش خواهیم کرد.

بعضی از آقایان ندای تقرب بی محتوا که مخالف نظر امام راحل و مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید هست را سر می‌دهند و ادعا می‌کنند که ما تنها باید فضائل اهل بیت را مطرح کنیم و کاری نداشته باشیم که دیگران چه گفتند و چه نگفتند.

یکی از این آقایان می‌گفت: آقای قزوینی! دون شأن شماست که به شبهات وهابیت پاسخ بدهید.

من در جواب گفتم: شما خودتان چند سال قبل به من می‌گفتید که یکی همانند شما باید بیاید و به این شبهات پاسخ بدهد. حال که ما شروع به پاسخ دادن کردیم، ناله بعضی افراد درآمده و ادعا می‌کنید که دون شأن شماست پاسخ بدهید؟!

ما در میان بعضی از دوستان خودی هم می‌بینیم قدری ملاکی که اهل بیت به ما دادند و مرجعیت بیدار شیعه از همان غیبت صغری به ما دادند و مراجع بزرگوار امروز رهنمود ما هستند و اس‌اساس اسلام هستند را قدری نادیده می‌گیرند.

من در خدمت شما هستم.

مجری:

الحمدلله بسیار واضح و روشن بیان فرمودید. ان شاءالله که طبق سه ضلع مقدس، هم بتوانیم تبیین و روشنگری داشته باشیم و هم به هجمه‌ها و شبهات مخالفین پاسخ بدهیم و هم بتوانیم از آنها سؤال کنیم. اگر هرکدام از اینها به فرمایش حضرتعالی ناقص بماند، اثربخشی خودش را متأسفانه از دست می‌دهد. ان شاءالله بتوانیم در همین مسیر موفق باشیم. فرصتی با اتاق فرمان همراه می‌شویم و بعد از آن در خدمت شما هستیم.

سلام مجدد عرض می‌کنم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی ولی عصر» و خوشحالیم که تا این لحظه همراه و همگام با این برنامه بودید و این مباحث را پیگیری می‌کردید.

حاج آقا الحمدلله از محضرتان استفاده کردیم و متوجه شدیم که متأسفانه همیشه این معاندین و مخالفین شبهات و سنگ اندازی‌ها را در راه اسلام ناب و اصیل انجام می‌دهند.

الآن خیلی برایمان سؤال است که بالاترین شبهه‌ای که مخالفین و منحرفین در رابطه با جریان غدیر انجام می‌دهند، کدام یک از شبهات است؟ چه چیزی بیشتر مطرح می‌شود و آنها خیلی روی آن تکیه می‌کنند؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با شبهات غدیر، ما بیش از پنجاه شبهه را از رسانه‌ها و فضای مجازی گرفتیم و پاسخ محکمی هم به آنها دادیم.

واقعه عظیم غدیر خم و شبهه «جیش یمن»!

به ذهنم می‌رسد که چهار یا پنج شبهه هست که وهابیت مرتب همانند کاست‌های قدیمی هر سال مطرح می‌کنند و ما هم جواب‌های محکم و قاطع دادیم. به دلیل اینکه شبهه دائماً تکرار می‌شد، ما هم باید جواب‌هایمان را تکرار کنیم.

شاید بعضی از دوستان بگویند که شما قبلاً هم این جواب را داده بودید. وهابیت هم این شبهه را قبلاً مطرح کرده بودند و ما هم ناگزیر هستیم جواب‌ها را تکرار کنیم؛ البته با یک بیان جدیدتر و استدلالات قوی‌تر!

یکی از این شبهات این است که اصلاً انگیزه حدیث غدیر چه بوده است؟! کارشناسان شبکه‌های وهابی در شبکه‌ها خودشان را هلاک می‌کنند که قضیه غدیر به خاطر این بود که علی بن ابی طالب به یمن رفت و با سپاه خود در یمن به اختلاف خورد.

پیغمبر اکرم در منطقه غدیر خم مردم را جمع کرد و فرمود: علی انسان خوبی است! در حقیقت پیغمبر اکرم در غدیر خم یک جلسه آشتی کنان برگزار کرد.

طوری شده است که اگر ما به یک نوجوان سنی هم برخورد می‌کنیم، ادعا می‌کند که اصلاً غدیر به خاطر این قضیه بوده است.

ما چند سؤال برای این آقایان مطرح کردیم، اما تا به حال به ما پاسخ ندادند. ما گفتیم حدیث غدیر و خطبه غدیر به غیر از کتب شیعه در کتاب‌های شما هم آمده است.

آیا در هیچکدام از این کتاب‌ها آمده است که پیغمبر اکرم فرموده باشند: "در یمن اختلافی میان علی بن ابی طالب و سپاه یمن صورت گرفته است. اگر از علی ناراحت و نگران هستید، نگرانی خود را کنار بگذارید؟!"

اصلاً در هیچ کدام از خطبه‌ها و احادیث غدیر در کتاب‌های شما چنین مطالبی آمده است؟ آیا روایت مستندی آمده است که پیغمبر اکرم در غدیر به یمن اشاره کرده باشند؟

هرگاه می‌خواهند دو نفر را آشتی دهند، با دو نفر صحبت می‌کنند که هرکدام در مسائلی کوتاه بیایند یا به طرفین می‌گویند که طرف مقابل در بعضی از قضایا معذور بوده است. به طور کلی کلمه‌ای نسبت به آن اختلاف می‌آورند.

آیا روایتی از رسول اکرم دارید؟! آیا از علی بن ابی طالب به عنوان خلیفه چهارم روایتی دارید که گفته باشد مردم از من ناراحت بودند و پیغمبر اکرم ما را در منطقه غدیر خم آشتی داد؟!

طبق نظر «سبط ابن جوزی» و دیگران، حدود صد و بیست و چهار هزار نفر در آنجا حضور داشتند. آیا هیچ کدام از صحابه گفته‌اند که پیغمبر اکرم میان ما و علی بن ابی طالب صلح داد؟!

حداقل همان آقایانی که در سپاه علی بن ابی طالب در یمن بودند و با حضرت اختلاف داشتند، آیا ادعا کردند که پیغمبر اکرم در غدیر خم میان ما آشتی داد؟

ما می‌بینیم بعد از گذشت هشت قرن، «ابن کثیر دمشقی» ادعا می‌کند اصلاً قضیه غدیر خم به خاطر این بود که چون میان امیرالمؤمنین و سپاه یمن اختلاف وجود داشت، آشتی برقرار شود و کدورت‌ها برطرف شود. آیا به «ابن کثیر» وحی نازل شده است؟

(وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ)

و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند.

سوره انعام (6): آیه 121

شاید «ابن کثیر» خواب دیده، اجنه به او اطلاع دادند و یا از طریق اسطرلاب به این قضیه پی برده است!!

مجری:

ظاهراً این افراد ابتدا ترجمه‌ای کردند، سپس وقتی که دیدند با داستان همخوانی ندارد یک سناریو و داستان جعلی درست کردند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما این سؤالات را پرسیدیم، اما آنها پاسخ ندادند. نکته اول اینکه «زینی دحلان» یکی از بزرگان اهل سنت و مفتی مکه مکرمه هست و کتاب‌های مختلفی هم دارد و از متأخرین هم است، و مفتی مکه مکرمه است و حدود 140 سال قبل از دنیا رفته است کتابی به نام «السيرة النبوية» دارد.

ایشان در جلد دوم این کتاب صفحه 371 می‌نویسد: قضیه‌ای که امیرالمؤمنین به یمن رفت و در آنجا بین حضرت علی و سپاه اختلاف افتاد، متعلق به سال هشتم هجری است و ارتباطی به سال دهم هجری ندارد!!

نکته دوم اینکه آقای «طبرانی» در کتاب «معجم الأوسط» جلد 6 صفحه 163 می‌نویسد: همان سال هشتم که صحابه به مدینه آمدند، از امیرالمؤمنین نزد پیغمبر اکرم شکایت کردند.

این قضیه چه ارتباطی به غدیر خم دارد؟ غدیر خم در سال دهم هجری است، اما اختلاف امیرالمؤمنین با جیش یمن متعلق به سال هشتم هجری است.

آقای «حاکم نیشابوری» در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» جلد 3 صفحه 119 همین مسئله را مطرح می‌کند و می‌نویسد: اصلاً این قضیه دو سال قبل از غدیر خم بوده است.

انصاف داشته باشید! وجدان داشته باشید! فردای قیامت برای تک تک این دروغ پردازی‌ها باید جوابگو باشید. شما که اینطور ذهن جوانان را منحرف می‌کنید، فردای قیامت چه جوابی برای این کار خود دارید؟

اضافه بر این در کتاب «معجم الكبير» اثر «طبرانی» جلد 18 صفحه 128 وارد شده است که چهار نفر از صحابه با هم پیمان بستند که نزد پیغمبر اکرم بروند و از علی شکایت کنند. پیغمبر اکرم از همان کسانی که از امیرالمؤمنین شکایت کرده بودند ناراحت شدند، از منزل بیرون آمدند و فرمودند:

«مَادَا تُرِيدُونَ مِنْ عَلِيٍّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ»

حضرت سه مرتبه فرمودند: از جان علی چه می‌خواهید.

«إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَهُوَ وَليُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي»

علی از من است و من از علی هستم و او بعد از من ولی امر مؤمنین است.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 18، ص 128، ح

265

این مسائل همگی مربوط به سال هشتم هجری است. چه ربطی به واقعه غدیر خم دارد؟!

ان شاءالله بنده در این زمینه مفصل بحث خواهم کرد. همین اندازه خواستم اشاره کنم که این افراد هر سال با فرارسیدن عید غدیر خم مرتب در سایت‌ها و کانال‌ها و گروه‌ها این شبهه را مطرح می‌کنند.

من از همه عزیزان شیعه درخواست می‌کنم این مطالبی که بنده به صورت فشرده عرض کردم و آدرس کتاب را هم بیان کردند، در ذهن داشته باشند. اگر عزیزان خواستند من تصویر جلد و صفحه کتاب را هم نشان می‌دهم تا ببینند واقعیت چیست.

در کتاب «المعجم الأوسط» اثر «طبرانی» روایتی از «بریده» وارد شده است که نقل می‌کند: ما به یمن رفتیم،

اختلافی پیش آمد و «خالد» مرا فرستاد؛

«فقدت المدينة ودخلت المسجد ورسول الله في منزله وناس من أصحابه على باب»

من به مدینه آمدم و داخل مسجد شدم، اما رسول الله در منزل بود و تعدادی از اصحاب جلوی منزل حضرت بودند.

اصحاب پرسیدند: چه خبر است؟ من گفتم: آمدم از علی بن ابی طالب شکایت کنم.

«قالوا فأخبره فإنه يسقطه من عين رسول الله»

صحابه گفتند: برو از علی شکایت کن تا از چشم رسول الله بیفتد.

من به خدا پناه می‌برم! این آقایان کنار اهل و عیال خود هستند، در حالی که امیرالمؤمنین برای فتح یمن رفته و آنجا را فتح کرده است. چهار ماه «خالد» رفته بود، اما به تعبیر مورخین اهل سنت پیروزی مسدود شده بود!! شما ببینید فتح بزرگی نصیب اسلام شده است، اما صحابه می‌گویند که برو از علی نزد پیغمبر شکایت کن تا از چشم رسول الله بیفتد!!

«ورسول الله يسمع الكلام فخرج مغضبا وقال ما بال أقوام ينتقصون عليا»

پیغمبر اکرم این سخنان را شنید، غضبناک بیرون آمد و فرمود: چه شده است که از علی بدگویی می‌کنید؟

«من ينتقص عليا فقد انتقصني»

هرکسی از علی بدگویی کند، از من بدگویی کرده است.

«ومن فارق عليا فقد فارقتني»

هرکسی از علی جدا شود، از من جدا شده است.

«إن عليا مني وأنا منه»

علی از من است و من از علی هستم.

حضرت سپس به «بریده» فرمود:

يا بريدة أما علمت أن لعلی أكثر من الجارية التي أخذ وأنه وليكم من بعدي

ای بریده! آیا نمی دانی که حق علی بیشتر از یک کنیز است؟ همانا او ولی و سرپرست شما بعد از من است.

سپس بریده می گوید:

«فقلت يا رسول الله بالصحة إلا بسطت يدك حتى أبايعك على الإسلام جديدا»

گفتم یا رسول الله! به من دست بده تا از نو برای اسلام با شما بیعت کنم.

«قال فما فارقتہ حتى بايعته على الإسلام»

بریده می گوید: هرچه پیغمبر ممانعت کرد، از او جدا نشدم تا از اول با پیغمبر اکرم بیعت کردم.

المعجم الأوسط، اسم المؤلف: أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبرانی، دار النشر: دار الحرمين - القاهرة -

1415، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، ج 6، ص 162، ح

6085

این موارد یکی دو مورد نیست. تمام این مباحث در منابع عزیزان اهل سنت با سندهای معتبر آمده است و

یک روایت یا دو روایت نیست. همچنین در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» آمده است:

«قال غزوت مع على إلى اليمن فرأيت منه جفوة فقدمت على رسول الله فذكرت عليا فتنقصته فرأيت وجه رسول الله يتغير فقال يا بريدة ألسنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم قلت بلى يا رسول الله فقال من كنت مولاه فعلى مولاه وذكر الحديث»

بعد در مورد سند روایت آمده است:

«هذا حديث صحيح على شرط مسلم ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 3، ص 119، ح 4578

این یک شبهه ای بود که امروز مرتب در رسانه های وهابی مطرح می شود که بنده به صورت خیلی خلاصه جواب دادم.

مجری:

این افراد با این نیت رفتند که امیرالمؤمنین را از چشم پیغمبر اکرم بیندازند، اما دقیقاً برعکس روایتی وارد شد که خار چشم دشمنان شده است!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده کتابی تألیف کردم که سازمان حج آن را به چاپ رسانده است. ما نام این کتاب که حدود سیصد صفحه است را «شبهة شکوی جیش یمن» گذاشتیم. ما حدود هفده سال قبل این کتاب را نوشتیم و بعثه مقام معظم رهبری هم آن را به چاپ رسانده است.

این کتاب روی سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» موجود است و دوستان می‌توانند این کتاب را ملاحظه کنند.

به فضل الهی بنده می‌توانم ادعا کنم که شاید اولین نفری بودم که ماجرای شبهه جیش یمن را با این تفصیل مطرح کردم. بنده ندیدم کسی این شبهه را با این شکل مطرح کرده باشد.

نرم افزارهای علوم اسلامی، نعمتی بزرگ برای محققین!

البته امکاناتی که ما داریم را بزرگان قبل از ما نداشتند. تنها در یکی از برنامه‌های همین لب تاب کوچکی که جلوی من هست، چهارصد هزار جلد کتاب موجود است.

زمانی که به دنبال یک روایت می‌گردیم، این نرم افزار در عرض یک ثانیه چهارصد هزار جلد کتاب را جستجو می‌کند.

بزرگان ما همانند «علامه امینی» و دیگران سال‌ها زحمت می‌کشیدند، ماه‌ها زحمت می‌کشیدند، هفته‌ها زحمت می‌کشیدند تا بتوانند یک کتاب به دست آورند که مطالعه کنند.

بنابراین اگر ما می‌گوییم که مطالب ما بسیار مفصل است و تا به حال کسی به این تفصیل کار نکرده است، به دلیل این است که امکاناتی که امروز به فضل الهی و فضل حضرت ولی عصر در اختیار ماست در اختیار بزرگان قبل از ما نبود.

مجری:

حاج آقا البته این امکانات در اختیار همگان هست، اما کسی که بتواند درست از این امکانات استفاده کند طبیعتاً اجر و منزلت بالاتری دارد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

یکی از بزرگان حوزه وقتی به من می‌رسد، می‌گوید: «السلام علی من اؤل ادخل کامپیوتر به قم!» از روز اول که کامپیوتر درآمد و برنامه‌های علوم اسلامی وارد شد، ما شبانه روز با آن کار کردیم.

با اینکه بنده در کتابخانه شخصی خودم بیش از چهل هزار جلد کتاب دارم، شاید در طول سال، ده مورد پیش نیاید که بنده به کتاب مراجعه کنم.

کامپیوتر و امکانات و نرم افزارها واقعاً نعمت است. اگر ما واقعاً امروز کوتاه بیایم، فردای قیامت نمی‌توانیم جواب بدهیم.

یکی از مراجع جمله زیبایی می‌فرمود که برای من بسیار عجیب و تکان دهنده بود. ایشان می‌فرمود: خداوند عالم هرچقدر نعمت زیاد به انسان بدهد، فردای قیامت هم بیشتر بازخواست خواهد کرد!

خداوند عالم روز قیامت ما را مورد بازخواست قرار می‌دهد که از این نعمت‌ها چه استفاده‌ای کردید. بنده توصیه می‌کنم جوانان، طلاب و فضایی ما وارد این میدان شوند و نگویند که کامپیوتر و فضای مجازی چیست. مقام معظم رهبری با آن عظمت می‌فرماید: "فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است. اگر من رهبر نبودم، تنها شغلی که قبول می‌کردم مسئولیت فضای مجازی بود!!" امروز ما باید ورود پیدا کنیم و اگر ورود نکنیم، فردای قیامت نمی‌توانیم پاسخگو باشیم.

شبهه دیگری که مطرح است، در رابطه با این است که کلمه «مولی» دلالت بر امامت دارد یا ندارد. آقایان به قدری این شبهه را مطرح کردند و جواب هم شنیدند که عمدتاً ناامید شدند.

آیا امیرالمؤمنین و اهل بیت (علیهم السلام) به حدیث غدیر استناد کرده اند؟!؟

شبهه دیگری که در این زمینه مطرح است و در این هشت سال اخیر بسیار روی آن مانور می‌دهند، این است که اگر واقعاً غدیر دلالت بر امامت امیرالمؤمنین می‌کرد چرا خود حضرت یک بار به غدیر استناد نکرد؟

بعضی از وهابیون چند صد هزار دلار جایزه گذاشتند برای کسی که یک روایت صحیح از کتب شیعه بیاورد که معلوم شود علی بن ابی طالب به غدیر استناد کرده است.

یکی از بحث‌هایی که من توصیه می‌کنم دوستان خوب روی آن کار کنند، احتجاجات امیرالمؤمنین در شورای شش نفره خلیفه دوم است.

امیرالمؤمنین در جمع پنج نفره «عثمان»، «طلحه»، «زبیر»، «سعد بن ابی وقاص» و «عبدالرحمن بن عوف» به «حدیث غدیر» و «حدیث منزلت» و «حدیث سد الابواب» استناد فرموده است.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) حداقل نزدیک به هفتاد دلیل برای امامتشان در آن یک جلسه استدلال کرده است.

آقایان یک روایت می‌خواهند، اما ما حاضریم پنجاه روایت بیاوریم که امیرالمؤمنین و ائمه اطهار و حضرت صدیقه طاهره در سقیفه و بعد از سقیفه بلافاصله به غدیر استدلال کردند.

این موارد، یک مورد یا دو مورد نیست که ما به سادگی از کنار آن بگذریم. اگر حدیث غدیر متواتر است، یقیناً استدلال صحابه و ائمه اطهار (علیهم السلام) به غدیر در حد تواتر هم نباشد قریب به متواتر است. شاید هم ادعای تواتر کنیم، زیرا یک مورد یا دو مورد نیست.

ما یک مرتبه می‌بینیم دویست و پنجاه روایت است که صحابه به آن استدلال کردند. بنده روایاتی از امیرالمؤمنین، حضرت صدیقه طاهره، امام حسن مجتبی، امام حسین تا حضرت ولی عصر آوردم که بر حقانیت امیرالمؤمنین به غدیر استدلال کرده‌اند.

وهابیت جدیداً یک سری شبهاتی را مطرح می‌کنند که بنده واقعاً خیلی تأسف می‌خورم که بعضی از خودی‌های ما هم از روی جهالت و نادانی یا حماقت و عناد این مباحث را مطرح می‌کنند. آن‌ها ادعا می‌کنند اصلاً کلمه «نصب» در غدیر مطرح نشده است!

در مناظره‌ای که بنده امسال در یکی از شهرها با یکی از آقایانی که وهابی زده هست داشتم، گفتم: اگر بنده پنجاه روایت بیاورم و بررسی سندی هم کنم که واژه «نصب» در آن باشد، شما چه جوابی دارید؟!

حضرت موسی بن جعفر (سلام الله علیه) فرمود که خداوند متعال به نبی مکرم فرمود:

«يَا مُحَمَّدُ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ الَّذِي أَمَرَكَ بِنُصْبِ عَلِيٍّ إِمَامًا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 37،

ص 142، ح 36

همچنین امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«نَصَّبَنِي رَسُولُ اللَّهِ لِرِوَايَتِي»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 30،

ص 315، ح 152

اگر روایات اهل بیت (علیهم السلام) را هم بیاورم، یک مورد یا دو مورد نیست. چرا اینطور بی انصافی می‌کنید؟! آیا دیواری کوتاه‌تر از دیوار امیرالمؤمنین ندارید؟!

فتنه ای جدید به نام «قرآنیون»!!

همچنین جدیداً بعضی از ورشکستگان سیاسی یا بعضی افراد ادعا می‌کنند که اصلاً رسول گرامی اسلام، حکومت سیاسی از طرف خداوند عالم نداشت. امیرالمؤمنین هم حکومت سیاسی نداشت!! من نمی‌دانم شیطان چکار می‌کند!

آن‌ها ادعا می‌کنند که رسول اکرم وظیفه تشکیل حکومت نداشت. این قضیه همانند این است که ما در روز روشن ادعا کنیم آفتابی نیست!!

افرادی در خارج از کشور از جمله مصر و عربستان این ادعا را مطرح کردند که البته بنده اعتراف می‌کنم در میان آقایانی که انکار حکومت سیاسی رسول اکرم را کردند یا قرآنیونی که حدیث را کنار گذاشتند، علمای اهل سنت از علمای شیعه پیشرو هستند.

کتاب‌هایی که علمای اهل سنت در این رابطه نوشته‌اند، بیش از کتاب‌هایی است که شیعه نوشته است.

ان شاء الله اگر خداوند به ما توفیق دهد و در خدمت بینندگان عزیز باشیم، روی این چند موضوع کار خواهیم کرد: "آیا نصب صورت گرفته و کلمه نصب استعمال شده است؟"، "آیا ما می‌توانیم تنها به قرآن اکتفا کنیم و از حدیث دست برداریم؟"

آیا قرآن به تنهایی برایمان کافی است؟" و "حکومت سیاسی پیغمبر اکرم و حکومت سیاسی امیرالمؤمنین"

متأسفانه امروز روایت:

«حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 4، ص

1612، ح 4169

در کشورهای اسلامی رواج پیدا کرده است. بعضی از شیعیان با وجود شیعه بودن در خصوص حکومت سیاسی پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین ادعا می‌کنند که مردم ایشان را انتخاب کردند و حکومتشان الهی نبوده است!!

این شبهات، شبهات جدیدی است که می‌بینیم بعضی افراد در فضای مجازی مطرح می‌کنند. البته عرض کردم این ادعا اختصاص به داخل کشور ما، یا ورشکستگان سیاسی شیعه ندارد.

بعضی از وهابیون تندرو به میدان آمدند. بنده جدیداً مشاهده کردم که چندین رساله ارشد و دکتری در دانشگاه أم القرى روی قضیه قرآنیون که روایت «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» را مطرح می‌کنند، پاسخ‌های زیبایی دادند. متأسفانه دانشگاهیان و حوزویان ما خواب هستند!!

مجری:

خداوند ان شاءالله همه را هدایت کند. اگر اجازه بفرمایید میان برنامه‌ای ببینیم و ان شاءالله برمی گردیم.

برداشت خدا پرده ز اسرار نهفت

در دست نبی گل ولایت بشکفت

شد نور علی نور به ذکر صلوات

چون منزلت علی پیمبر می‌گفت

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

تماس بینندگان برنامه:

حاج آقا تماس‌های زیادی از بینندگان داریم. به مقداری که فرصت برنامه اجازه بدهد، اگر اجازه بدهید وصل کنیم. در خدمت جناب آقای اسماعیلی از اصفهان هستیم:

بیننده (آقای اسماعیلی از اصفهان - شیعه):

با سلام خدمت استاد قزوینی و همچنین مجری محترم و تبریک اعیاد قربان و غدیر.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

مجری:

علیکم السلام، بر شما هم مبارک باشد.

بیننده:

یک سؤال و شبهه‌ای که جماعت عامه این چند روز مطرح کردند، این بود که پیامبر به «زید» هم «انت مولای» فرموده است. شما در مورد «مولای» هم صحبت کردید و اگر امکان دارد به این شبهه پاسخ دهید.

شبهه دیگر این که ادعا می‌کنند غدیر در 28 اسفند بوده است و این که ادعا می‌کنند روز گرمی بوده است، دروغ است و از خودشان درآوردند! با تشکر.

مجری:

تشکر می‌کنیم از آقای اسماعیلی. تماس بعدی آقای جعفری از جهرم هستند. آقای جعفری در خدمت شما هستیم و صدای شما را می‌شنویم:

بیننده (آقای جعفری از جهرم - شیعه):

عرض سلام و ادب و احترام و خدایوت خدمت همه بینندگان عزیز و استاد بزرگوار حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی.

حاج آقا قزوینی! هرکسی که یک گام در مسیر اهل بیت (علیهم السلام) بردارد، مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین دلش را خون می‌کند.

هزار و چهارصد سال است که از شهادت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌گذرد و هنوز دم زدن از امیرالمؤمنین و نشر فضائل آن بزرگوار در مملکت امام زمان و مملکت شیعه جرم محسوب می‌شود.

دقت دارید که ماه مبارک رمضان «استاد حامد کاشانی» در آنتن زنده شبکه تهران «برنامه ماه من» را داشتند. ایشان در این سی شب فضائل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را می‌گفتند.

عمده مطالبی که می‌گفتند، از منابع اهل سنت و عزیزان غیر شیعه بود. ایشان مطالبی می‌گفت که عمدتاً وهابی‌ها هم راویان آن مطالب و هم کتبی که آن مطالب در آن نوشته شده را قبول دارند.

من نمی‌دانم الآن در مملکت شیعه چرا وقتی که ما از امیرالمؤمنین دم می‌زنیم و فضائل حضرت را طبق کتب اهل سنت می‌گوییم، به ما تهمت می‌زنند که به دنبال تفرقه هستیم.

ما نمی‌دانیم اسم این افراد را چه بگذاریم! فرقه منیه بگوییم، فرقه بطریه بگوییم یا فرقه نواصب شیعه نما بگوییم!

شب‌هایی که «استاد حامد کاشانی» روی آنتن زنده می‌رفت، تمامی تهمت‌هایی که به ذهنشان می‌رسید را نثار «استاد حامد کاشانی» کردند که چرا روی آنتن زنده مسائل اختلافی را بیان می‌کند.

هزار و چهارصد سال از شهادت امیرالمؤمنین گذشته است و هنوز دم زدن از آن بزرگوار در کشور جرم محسوب می‌شود. بنده کویت را نمی‌گوییم، امارات را نمی‌گوییم، عراق را نمی‌گوییم، عربستان سعودی را نمی‌گوییم؛ بلکه ایران را می‌گوییم!!

ما از کسی دم می‌زنیم که تنها شنوای درد دل‌هایش چاه بود و با چاه درد دل می‌کرد. حاج آقای قزوینی! جریان چیست که در مملکت امام زمانی و مملکت شیعه ما از امیرالمؤمنین دم می‌زنیم، اما به ما تهمت ضد وحدت بودن می‌زنند.

مجری:

ان شاءالله که همه ما بتوانیم پیرو راستین باشیم و بتوانیم حقایق را تا حدی که می‌توانیم بیان کنیم. تشکر می‌کنیم از آقای جعفری که از جهرم تماس گرفته بودند.

تماس بعدی با اسکایپ هست. جواب پرسش این دو عزیزی که تماس گرفته بودند را می‌شنویم، سپس به تماس بعد می‌پردازیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با این عزیزمان که از اصفهان تماس گرفتند، در رابطه با قضیه «زید» اصلاً روایت سند ضعیفی دارد. آقایان برای ما سندی بیان کنند که مراد از قضیه‌ای که در رابطه با «زید» دارد، چیست.

وقتی ما واژه «مولا» را از کتب لغت و تفسیر و اقوال علمای اهل سنت بیان کردیم، در آنجا اشاره مفصلی به این قضیه خواهم کرد.

آیا در روز غدیرخم، هوا گرم بود!؟

نکته دوم آقای اسماعیلی در رابطه با تاریخ شمسی غدیر بود. آن‌ها ادعا می‌کنند غدیر در آخر زمستان و نزدیک فروردین بوده است.

اولاً عزیزانی که به عربستان و شهر مکه سفر کرده‌اند، می‌دانند که حتی از شدت گرما در فروردین هم انسان در مشقت است.

در خصوص اینکه روز غدیر خم در گرما بوده است، تمام آقایان اهل سنت خودشان مفصل این قضیه را جواب دادند و در کتاب‌های خودشان آمده است.

به عنوان مثال در کتاب «فضائل الصحابة» اثر «احمد بن حنبل» آمده است که برای پیغمبر اکرم از شدت گرما سایبان درست کردند. همچنین در کتاب «معجم الكبير» اثر «طبرانی» وارد شده است:

«فَكَسِحَ فِي يَوْمٍ مَا أَتَى عَلَيْنَا يَوْمٌ كَانَ أَشَدَّ حَرًّا مِنْهُ»

در غدیر به قدری هوا گرم بود که ما در عمرمان چنین گرمایی ندیده بودیم.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 5، ص 171، ح 4986

به ما چه مربوط است؟ شما از کتب خودتان این مطالب را درآورید. در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد 3 صفحه 613 می‌نویسد:

«فكسح في يوم ما أتى علينا يوم كان أشد حرا منه»

او در مورد سند روایت می‌نویسد:

«هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 3، ص 613، ح 6272

همچنین «تفتازانی» می‌گوید که مردم از شدت گرما یک طرف عبایشان را به سرشان گرفته بودند و یک طرف عبا را زیر پایشان گذاشته بودند. او در مورد سند روایت می‌نویسد: این حدیثی است که همگان بر صحت آن اتفاق نظر دارند.

این قضیه چیزی نیست که مربوط به ما باشد. این آقایان تصور می‌کنند که عربستان هم همانند رامسر و اردبیل و تبریز است که نزدیک‌های عید هوا خنک می‌شود.

ما گاهی اوقات که به شهر خودمان قزوین می‌رفتیم، به یاد دارم که آیت الله محسنی ملایری در تابستان می‌گفتند که برای ما بخاری روشن کنید. ما در زادگاهمان در تابستان بخاری روشن می‌کردیم یا بعضی افراد کرسی گذاشته بودند!!

این قضیه در عربستان بوده و در ایران نیست که ما ادعا کنیم در آخر اسفند بوده و هوا سرد بوده است.

ما هم قبول داریم که طبق تطبیق شمسی و قمری روز غدیر خم یا یکی دو روز قبل از فروردین و یا اوایل فروردین بوده است. حساب کتاب‌های کامپیوتری یکی دو روز را خطا می‌کنند.

اصلاً در بعضی روایات داریم که روز غدیر خم مصادف با عید نوروز بود. یکی از اعمال عید نوروز هم قضیه غدیر هست.

حدود چهل آیه در قرآن کریم در مذمت صحابه!!

در رابطه با فرمایش آقای جعفری از جهرم بنده تنها جمله‌ای را از مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) در سالگرد پیروزی جمهوری اسلامی ایران برای شما بیان می‌کنم.

ایشان گفتند که امیرالمؤمنین به «طلحه» و «زبیر» استدلال کرد. ما با پیغمبر اکرم در یک جبهه بودیم. آقایان قیامت به پا کردند. ایشان فرمودند که ما با معاویه در یک جبهه نبودیم. معاویه در جبهه مخالف بود و ما اینطرف بودیم.

امیرالمؤمنین با «طلحه» و «زبیر» در جنگ جمل احتجاج کرد و آنها حرف شنوی داشتند. گرچه وظیفه آنها این بود که به سپاه امیرالمؤمنین بیبوندند، اما این کار را نکردند و از جنگ کناره گرفتند.

بعد از سخنان مقام معظم رهبری دیدیم که بسیاری از آقایان از جمله «مولوی عبدالحمید» در سایت خود نوشت: "اهل سنت هیچگاه تصور نمی‌کردند مقام معظم رهبری که همواره نسبت به اهانت به بزرگان و مقدسات یکدیگر به کرات هشدار داده‌اند، این تشبیه را در مراسم سالگرد ارتحال امام راحل به کار ببرند که مایه نگرانی اهل سنت در سطح کشور گردیده است."

آقای جعفری بزرگوار! وقتی مقام معظم رهبری خود این مسائل تاریخی را مطرح می‌کند، بعضی افراد دانشان درمی‌آید. حال ما جای خود داریم.

شما عبارت "اعتراض مولوی عبدالحمید به مقام معظم رهبری در سالگرد ارتحال امام خمینی" را جستجو کنید. مشاهده می‌کنید که این مطلب در دویست، سیصد سایت آمده است. من نمی‌دانم این آقایان آیاتی که در مذمت صحابه مطرح شده است را دیده و خوانده اند یا نه؛

(إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَاباً مُهِيناً)

آن‌ها که خدا و پیامبرش را ایذاء می‌کنند خداوند آنها را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور می‌سازد، و برای آنان عذاب خوار کننده‌ای آماده کرده است.

سوره احزاب (33): آیه 57

همچنین سوره جمعه می‌فرماید: صحابه پیغمبر اکرم را در بالای منبر در حال خواندن خطبه تنها گذاشتند و همگی از مسجد بیرون رفتند.

ما نمی‌دانیم این افراد با این آیات می‌خواهند چکار کنند؟ ما اصلاً روایات را کنار می‌گذاریم، اما حدود چهل آیه در قرآن کریم در مذمت صحابه داریم. آیه شریفه:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد در باره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید.

سوره حجرات (49): آیه 6

نه در رابطه یهود است و نه در رابطه با نصاری است. این آیه شریفه متعلق به صحابه است و باید آنها را از قرآن کریم حذف کنند!!

فحش به اهل سنت حرام است. توهین به مقدسات اهل سنت خلاف شرع و حرام است و در آن هیچ شک و شبهه‌ای نیست ولی در مقابل، بیان کردن حقایق تاریخی تکلیف و وظیفه ماست.

مجری:

بسیار خوب، استفاده کردیم. آقای علی شهیدی پشت خط اسکایپ هستند که صدای شما را می‌شنویم.

آیا اعتقاد به امامت ائمه اطهار با آیه 124 سوره بقره تعارض دارد؟!

بیننده (آقای علی شهیدی - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت شما و جناب آقای قزوینی. سؤالی از خدمت شما در رابطه با آیه امامت داشتیم.

(وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)

(به خاطر بیاورید) هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسائل گوناگونی آزمود، و او بخوبی از عهده آزمایش بر آمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم.

سوره بقره (2): آیه 124

ما شیعیان برای اثبات امامت ائمه اطهار و مقام امامتی که پیغمبر ما هم داشت، به این آیه استناد می‌کنیم.

نکته‌ای که در اینجا وجود دارد، این است که این آیه بیان می‌کند بعد از امتحاناتی که خداوند از حضرت ابراهیم گرفت و مصائب و سختی‌ها و مراتب زیادی که طی شد، مقام امامت به ایشان داده شد.

این در حالی است که ما در خصوص ائمه اطهار و معصومین اعتقاد داریم که از ازل بر اینها نوشته شده بود و از زمانی که نطفه آن بزرگواران بسته شد، عصمت برایشان وجود داشت. این قضیه با این آیه کمی در تناقض قرار نمی‌گیرد؟

مجری:

تشکر می‌کنم از تماس شما. ان شاءالله حاج آقا پاسخ می‌دهند و در خدمت شما هستیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

برادر بزرگوارم در رابطه با حضرت ابراهیم قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)

سپس می‌فرماید:

(قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ)

ابراهیم عرض کرد: از دودمان من (نیز امامانی قرار بده) خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند شایسته این مقامند).

سوره بقره (2): آیه 124

در اینجا خداوند نفرمود به ذریه ای که باید امتحان بدهند، می‌رسد. خداوند متعال فرمود: هرکدام از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند امامت به آنها می‌رسد.

ابتدا حضرت ابراهیم امتحان خود را پس داد. خداوند عالم هرچه که قرار بود به خاطر این امتحان به حضرت ابراهیم بدهد، داد. حضرت ابراهیم دید مقام بالایی است و فرمود: خدایا این مقام به ذریه من هم می‌رسد، یا خیر؟

اگر ما بلا تشبیه به عنوان نمونه مثال بزنیم، به عنوان مثال در عربستان سعودی «محمد بن سعود» زحمت کشیده و جنگ و تشکیلاتی به راه انداخته و بعد از کلی جنگ، حکومت را به دست گرفته است. فرزندان او هم جنگ کردند یا نه؟! بنده تنها به عنوان تقریب این مثال را عرض کردم.

در اینجا حضرت ابراهیم ابتلا و امتحانی داشته است. حال عرضه می‌دارد: خدایا این نعمت را که به من دادی و من هم مشکلاتی تحمل کردم، حداقل امامت به ذریه من هم برسد. خداوند متعال فرمود:

(قَالَ لَا يِنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ)

خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند شایسته این مقامند).

فرمود آنچه به تو دادم، عهد من بوده و این عهد به ظالمین نمی‌رسد.

در آیات دیگر چه از ائمه اطهار (علیهم السلام) و چه از اهل سنت مطالبی در این زمینه داریم. در آیه 73 آمده است:

(و وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ)

و اسحاق، و علاوه بر او، یعقوب را به وی بخشیدیم، و همه آنها را مردانی صالح قرار دادیم و آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند، و انجام کارهای نیک و برپا داشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم، و آنها فقط مرا عبادت می‌کردند.

سوره انبیاء (21): آیات 72 و 73

فرزند حضرت ابراهیم همانند حضرت اسحاق و حضرت یعقوب که ابتلا نداشتند، اما خداوند می‌فرماید که ما آنها را ائمه قرار دادیم. از طرفی دیگر خداوند متعال می‌فرماید:

(إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ لِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِي الْمُؤْمِنِينَ)

سزاوارترین مردم به ابراهیم، آنها هستند که از او پیروی کردند، و (در زمان و عصر او، به مکتب او وفادار بودند، همچنین) این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده‌اند (از همه سزاوارترند)، و خداوند، ولی و سرپرست مؤمنان است.

سوره آل عمران (3): آیه 68

یعنی همان امامتی که حضرت ابراهیم داشت، رسول گرامی اسلام هم طبق این آیه شریفه دارد. ما روایت داریم مراد از **(وَ الَّذِينَ آمَنُوا)** در اینجا ائمه اطهار (علیهم السلام) هستند. در کتاب «صحیح بخاری» هم آمده است که «ابن عباس» می‌گوید:

«قال بن عَبَّاسٍ وَ آلُ عِمْرَانَ الْمُؤْمِنُونَ مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ عِمْرَانَ وَ آلِ يَاسِينَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ يَقُولُ (إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ لِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ) وَ هُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ يَقَالُ آلُ يَعْقُوبَ أَهْلُ يَعْقُوبَ إِذَا صَغَرُوا آلَ ثُمَّ رَدُّهُ إِلَى الْأَصْلِ قَالُوا أَهْلٌ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار
ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص
1264، باب 45

این قضیه کاملاً نشانگر این است که رسول گرامی اسلام هم به عنوان اینکه از فرزندان حضرت ابراهیم هست و
جزو کسانی است که عهد الله به او می‌رسد و متصف به ظلم هم نیست، این مقام به او رسیده است.

خداوند عالم حتماً شرط نکرده است که بعد از حضرت ابراهیم هرکدام از ذریه او که این مصائب را تحمل
کردند، ما او را به امامت می‌رسانیم.

خداوند متعال می‌فرماید: این عهد من است. هرکدام از ذریه تو که ظالم نباشند، شرک نورزیده باشند و صالح
باشند، ما مقامی که به تو عنایت کردیم را به فرزندان و ذریه تو هم خواهیم داد. این قضیه واضح و روشن
است.

ما در کتاب «کافی» هم داریم:

«فِي قَوْلِهِ تَعَالَى- إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا قَالَ هُمْ الْأَيْمَةُ ع وَ مَنْ
اتَّبَعَهُمْ»

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،
ص 416، ح 20

مراد از (وَ الَّذِينَ آمَنُوا) در این آیه شریفه ائمه اطهار (علیهم السلام) هستند، نه اینکه عموم مؤمنین باشد.
در رابطه با اینکه ائمه اطهار (علیهم السلام) مشکلاتی داشتند که مقدر است، باید جداگانه در جای خود مطرح
شود.

ما باید ببینیم آیا واقعاً ظلم‌هایی که برای ائمه اطهار پیش آمد، یک تقدیر الهی قطعی و غیر قابل تغییر بوده است یا خیر؟! اگر چنین باشد ما باید قائل به جبر باشیم.

اگر چنین باشد این قضایا که حضرت امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه زهرا را به در خانه مهاجرین و انصار می‌برد و از همه دعوت می‌کند معنا ندارد! در این صورت دیگر خطبه‌های حضرت فاطمه زهرا و حضرت امیرالمؤمنین معنا ندارد!

خداوند عالم این مقام را به اهل بیت داده است، اما مردم را مجبور نکرده است. همچنان که قرآن کریم می‌فرماید:

(لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ)

در قبول دین، اکراهی نیست.

سوره بقره (2): آیه 256

و:

(وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ)

و وظیفه نداری آنها را مجبور (به ایمان) سازی.

سوره انعام (6): آیه 107

و:

(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا)

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا کفران کند.

سوره انسان (76): آیه 3

این مردم هستند که باید با اختیار خودشان در خانه امیرالمؤمنین بیایند و با سوابق درخشانی که حضرت دارد و با توصیه‌ها و روایاتی که پیغمبر اکرم در حق امیرالمؤمنین دارد یا در خانه دیگران بروند.

مجری:

احسنت، بسیار خوب. خیلی استفاده کردیم. پیام‌های زیادی هم رسیده بود، اما متأسفانه وقت برنامه به ما اجازه نمی‌دهد که بخواهیم به آنها برسیم. کلام پایانی را بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

من از همه دست اندرکاران «شبکه جهانی ولی عصر» تشکر می‌کنم که این بستر را فراهم کردند که ما با بینندگان عزیز در سراسر جهان در ارتباط باشیم.

ما همین امروز تلفنی گروهی از هلند داشتیم. آن‌ها می‌گفتند که ما برنامه‌ها را به صورت زنده می‌بینیم. بعضی از دوستان از استرالیا تماس داشتند و می‌گفتند: با اینکه ساعات ما و شما بسیار تفاوت دارد، ما تکرار برنامه‌ها را می‌بینیم.

دوستان از آمریکا و آلمان مرتب تماس می‌گیرند. ما از دوستانی که محبت دارند، تشکر می‌کنیم.

ان شاءالله دعا کنند که به حول قوه الهی و با عنایت حضرت ولی عصر و تفضلاتشان ما بتوانیم این برنامه را در آینده بسیار نزدیک از طریق ماهواره به منازل بینندگان عزیز برسانیم.

ما از عزیزان تقاضا می‌کنیم که نسبت به غدیر خوب دقت کنند و به تعبیر مقام رهبری متخصص در غدیر تربیت کنند. اگر ما غدیر را آسان نگرفته بودیم و به سادگی از کنار آن عبور نکرده بودیم، حادثه عاشورا پیش نمی‌آمد.

ان شاءالله جبران كنيم و بتوانيم اين غدیر را آنچنان قرص و محكم و قوی و گسترده مطرح كنيم كه ان شاءالله
بهترین زمینه سازی برای آمدن مولايمان حضرت بقیة الله الأعظم باشد.

مجری:

تشكر می‌كنيم. واقعاً بهره بردیم. ان شاءالله بینندگان عزیز و ارجمند هرشب در این فاصله عید مبارک قربان تا
عید سعید غدیر خم رأس ساعت 9:30 در خدمت شما هستیم و مهمان دیدگان پرفروغتان خواهیم بود.

ان شاءالله كه بتوانیم ولایی زندگی كنیم و بتوانیم این معارف حقه را نشر دهیم و مبلّغ خوبی برای جریان غدیر
باشیم.

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية اميرالمؤمنين على بن أبي طالب و الأئمة المعصومين (عليهم
السلام). اللهم اجعل محيانا محيا محمد و آل محمد اللهم اجعل مماننا ممانات محمد و آل محمد اللهم صل على

محمد و آل محمد

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته